

نقش حسابرسی در پیشگیری از اختلاس

ابراهیم جان بزرگی^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۱۵

چکیده

در این مقاله پژوهشگر با استفاده از روش توصیفی و منابع کتابخانه‌ای مربوط به قوانین جاری، مصاحبه با خبرگان شامل تعدادی از عاملان ذیحساب، کارکنان مالی و پشتیبانی، کارپردازان و کارشناسان ارشد حسابداری و حسابرسی و کارشناسان حقوق و مطالعه پرونده‌های قضایی موضوع اختلاس توسط کارکنان را با محوریت دلایل ارتکاب، راه‌های اجرا، روشهای شناسایی و کشف و ارائه پیشگیری از جرم اختلاس مورد بررسی قرار داد. نتایج پاسخ سؤالات حاکی است که کار حسابرسی باعث شناسایی، کشف و ارائه ساز و کار مناسب پیشگیرانه در مورد اختلاس‌ها خواهد شد؛ لذا با توجه به نقش کلیدی حسابرسی در ارتباط با این جرم پیشنهاد ایجاد یک واحد حسابرسی در بازرسی یا استفاده بهینه از مرکز حسابرسی موجود در طرح و برنامه بودجه در این راستا ارائه شده است.

کلید واژه

اختلاس، حسابرسی، پیشگیری از اختلاس، قوانین و مقررات جزائی، ناجا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ Ebrahim.janbozorgi@gmail.com. کارشناس ارشد مدیریت انتظامی، (

امروزه برای اداره جامعه و سامان بخشیدن به روابط اجتماعی و بهره‌مندی مردم از مواهب و نعمات طبیعت، بخش عظیمی از سرمایه‌ها و اموال هر کشور در اختیار کارکنان دولت قرار می‌گیرد. این دسته از اموال و سرمایه‌ها را خطرهای زیادی مورد تهدید قرار می‌دهد و همواره احتمال می‌رود که اموال دولت یا اموال اشخاصی که به حسب وظیفه به کارمند دولت سپرده شده است به نوعی مورد استفاده غیر قانونی واقع، و برخلاف هدف مورد نظر از آن بهره‌برداری شخصی، و یا آن به نفع خود یا دیگری تصاحب شود. گفتنی است موضوع فساد (اختلاس) در تمام زمانها گریبانگیر دولتها و دغدغه فکری بسیاری از اندیشمندان و متفکران سیاسی بوده و به عقیده ماکیاولی جریانی است که طی آن موازین اخلاقی افراد، سست و فضیلت و تقوای آنان از بین می‌رود (عباس زادگان، ۱۳۸۹، ص ۱۴). بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌المللی نیز در این رابطه تعریفی ارائه کرده‌اند (که مورد توافق عمومی در جهان است). مبنی بر اینکه فساد، سوء استفاده از اختیارات دولتی یا عمومی برای کسب منافع شخصی یا گروهی است (قرنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۳۱).

به منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های کارمندان دولت از سرمایه و اموال در اختیار آنها و تضمین هر چه بیشتر منافع دولت و ملت، قانونگذار در صدد حمایت کیفری از این دسته از اموال و سرمایه‌ها بر آمده است و کسانی را که متولی امور اجتماعی هستند و امکانات و داراییهای عمومی در اختیار آنهاست از دخل و تصرف برخلاف موازین قانونی و استفاده شخصی یا تصاحب آنها به نفع خود یا دیگری ممنوع کرده است. این حمایت کیفری تحت عناوین مختلفی در قانون آمده است که از جمله مهمترین آنها «جرم اختلاس» است. اختلاس اموال عمومی از جمله تعدیات کارکنان و کارمندان دولت یا وابسته به دولت به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر است که همواره تهدیدی جدی علیه دولت و ملت قلمداد می‌شود. از سوی دیگر سامانه گزارشگری مالی در جلب اعتماد عمومی همواره با بحرانهایی روبه‌رو بوده است. افزایش شمار تقلب و ارائه‌های دوباره، که اغلب با ورشکستگی شرکتهای بزرگ درهم آمیخته، نگرانیهایی را درباره کیفیت صورتهای مالی به همراه داشته است. به همین دلیل، پیشگیری یا کشف تقلبهای با اهمیت در صورتهای مالی همواره کانون توجه سرمایه‌گذاران، قانونگذاران، مدیران و حسابرسان بوده است. هیئت استانداردهای حسابرسی وابسته به انجمن حسابداران رسمی امریکا^۲ در این راستا به سهم خود از طریق تدوین و انتشار بیانیه شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی با عنوان "ارزیابی تقلب در صورتهای مالی گام اساسی را برداشت" که جایگزین بیانیه شماره ۸۲ استانداردهای حسابرسی با همان عنوان شد. هر چند استاندارد جدید، مسئولیت حسابرسان را در برابر تقلب در صورتهای مالی نسبت به قبل تغییر نداد، مفاهیم، الزامات و رهنمودهای جدیدی را به منظور کمک به حسابرسان به منظور ایفای مسئولیت خطیر خود در این زمینه معرفی کرد.

^۲. AICPA

با استفاده از دیدگاه متفکران استراتژیک، تأکید بر توانایی سازمان در شناسایی، خلق و استفاده سریع و بموقع از فرصت‌های پیش رو (امیران و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۶) این تحقیق در صدد تبیین و تشریح نقش حسابرسی در شناسایی و کشف و ارائه راهکارهای پیشگیری از اختلاس مالی در ناجا است.

۲. بیان مسئله

فساد اداری به عنوان یکی از واقعیت‌های تلخ جامعه امروزی، شیوع بی سابقه‌ای در نظام اداری، سیاسی و اجتماعی جهان دارد؛ چنانکه رویدادهای اخیر نشان می‌دهد هیچ کشوری با هر میزان ثروت و قدرت نمی‌تواند ادعا کند که از پیامدهای زینبار فساد کاملاً در امان مانده است. پلیس به عنوان سازمان متولی برقراری نظم و امنیت در جامعه، نقش حساس و پیچیده‌ای را بر عهده دارد. پلیس یکی از ارکان اصلی مبارزه با فساد در جامعه است که شرط لازم موفقیت آن، سلامت آحاد کارکنان و سازمان پلیس است. در نظام جمهوری اسلامی، پلیس علاوه بر نقش‌های مشابه سایر کشورها، نقش ایدئولوژیک و ارزشی هم دارد. بر اساس چشم انداز، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران "مظهر اقتدار ظاهری و معنوی نظام و پلیس شایسته" تعریف شده است.

مهمترین ویژگی‌های پلیس در افق چشم‌انداز، "متدین، صالح، امین و کارآمد" است. براین اساس، یکی از اولویت‌ها و نیازمندی‌های مقدماتی ناجا برای تحقق چشم‌انداز، پاکدستی کارکنان و مبارزه با فساد اداری (اختلاس) است.

در بررسی پرونده‌های بازرسی یا احاله شده به دادسرای نظامی مشاهده می‌شود تعداد زیادی از این پرونده‌ها به کارکنانی مربوط است که مرتکب اختلاس شده‌اند و با توجه به اهدافی که ناجا برای تحقق آنها ایجاد، و چشم اندازی که برایش تعریف شده است، این سؤال اساسی مطرح می‌شود: "براستی چرا اشخاصی که به درجه‌ای از امانتداری رسیده‌اند که اموال و وجوه دولت و مردم در اختیارشان قرار داده شده است با ارتکاب اعمالی که از نظر قانون و افکار عمومی پسندیده نیست، نتیجه سالها تلاش فردی و زحمات جمعی را، که صرف آموزش و تربیت آنها شده است، یک شبه بر باد می‌دهند و برابر مقررات و مجازات‌های قانونی در این گونه موارد، عملاً یکسره به گوشه تباهی و بد نامی سوق پیدا می‌کنند؟" متأسفانه این گونه کارکنان بعد از ارتکاب اولیه این بزه، طبق استدلال "شیب لغزنده (نوعی استدلال که شخص در آن ادعا می‌کند که هر واقعه، بدون استدلال از ناگزیر بودن آن، پس از واقعه دیگری رخ خواهد داد). مشارکتشان را در فعالیتهای غیر قانونی آغاز می‌کنند (ایوکوویچ^۳، ۱۳۹۳، ص ۵۴).

هدف، دفاع از این گونه رفتار و اشخاص نیست؛ چرا که در هر حال و به هر دلیل این رفتار پسندیده و مورد تأیید هیچ کس نیست؛ لیکن ساده انگاری و ساده نگری در این گونه کارها نیز چاره کار نیست و مشکلی را حل نخواهد کرد. همان طور که بسیاری از استادان و دانشمندان حقوق جزا معتقدند اعمال مجازات شدید و برخورد نا متجانس و ناهمگون

^۳. Ivokovich

تأثیری ندارد و در عمل نیز همین گونه است؛ به عنوان مثال در چین و کره در زمینه جرائم مالی (اختلاس) به جای استقرار ابزارهای مناسب به منظور جلوگیری از اختلاس، بیشتر بر مجازات متخلفان تأکید می‌شد (سخت‌ترین نوع مجازات اعم از حبس طولانی، حبس ابد و در موارد بسیاری اعدام پیش‌بینی شده و اعمال می‌شد)؛ اما در پیشگیری از جرم و کاستن از میزان جرائمی نظیر اختلاس چنان تأثیری نداشته و در عمل توفیقی به دست نیامده است (عباس زادگان، ۱۳۸۹، ص ۹۴)؛ لذا با توجه به پژوهشهایی که تا کنون انجام شده است. این تحقیق درصدد یافتن پاسخی جامع به این سؤال اصلی است که حسابرسی چگونه می‌تواند در پیشگیری از اختلاس مالی تأثیر گذار باشد.

۳. اهداف تحقیق

از آنجا که بر اساس قانون، هدف مقنن از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی است و بر این اساس به عنوان الگو در سطح جامعه شناخته می‌شود، این تحقیق با هدف دستیابی علمی ناجا به موضوع پیشگیری از ائتلاف منابع سازمانی، اعتبارات، امکانات، تجهیزات (که مانند خیانت به بیت‌المال است) و کاهش پیامدهای شوم مادی و معنوی ناشی از این بزه در داخل سازمان انجام می‌شود.

۴. سؤالات تحقیق

نقش حسابرسی در پیشگیری از اختلاس مالی چیست؟

چه کارکنانی می‌توانند، مرتکب جرم اختلاس شوند؟

از چه راه‌هایی اختلاس صورت می‌گیرد؟

چه کسانی مسئولیت شناسایی جرم اختلاس را دارند؟

راهکارهای پیشگیری از جرم چگونه است؟

۵. روش شناسی

این مقاله از نظر هدف کاربردی است که به روش توصیفی انجام شده است. برای بررسی ادبیات پژوهش و استخراج شاخصهای نقش حسابرسی در پیشگیری از اختلاس روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه است که توسط پژوهشگر انجام شده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل تعدادی از عاملان ذیحساب، کارکنان مالی و پشتیبانی، کارپردازان و کارشناسان ارشد حسابداری و حسابرسی و کارشناسان حقوق می‌باشد.

هم‌چنین مطالعه پرونده‌های قضایی موضوع اختلاس توسط کارکنان را با محوریت دلایل ارتکاب، راه‌های اجرا، روشهای شناسایی و کشف و پیشگیری از جرم اختلاس مورد بررسی قرار گرفت.

۶. مرور ادبیات نظری موضوع

۱-۶. اختلاس

در لغتنامه دهخدا اختلاس، کلمه‌ای عربی و به معنی ربودن و زود ربودن و سلب کردن معنی شده، و در فرهنگ عمید نیز به معنی ربودن و زود ربودن و دزدیدن پول را پنهانی و بدون حق از صندوق یا اداره تعریف شده، و معانی دیگری نیز از قبیل و خلس و اختلاس به معنی ربودن و ربودن با خدعه و فریب در سایر فرهنگها آمده است.

البته در هیچ یک از قوانین و مقررات مربوط به اختلاس تعریف مشخص و صریحی ارائه نشده است و تنها شرایط تحقق و مصداقهای جرم اختلاس بیان شده است؛ به عبارت دیگر از آنچه از لابه‌لای مواد قانونی و نوشته‌های اندیشمندان حقوق به دست می‌آید، می‌توان چنین گفت که اختلاس گرفتن شیئی با عجله و سرعت هر چه تمامتر و یا به معنی استفاده از فرصت مناسب است (بازگیر، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶) و یا به قول نورزاد (۱۳۸۳، ص ۱۹) «تصاحب همراه با مسؤولیت اموال دولت یا اشخاص، توسط مستخدم دولت است که بر حسب وظیفه در اختیار وی قرار دارد به نفع خود یا دیگری».

با توجه به تعاریف متعدد پژوهشگران و هم چنین تعاریف قوانین و مقررات می‌توان گفت:

اختلاس نزد عامه (عرف) برداشتن مال غیر از راه خدعه است. در قانون برابر ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ بر داشتن مال یا وجه توسط کارمندان دولت تعریف شده است.

هم چنانکه در این ماده در بند قبل آمده است جرم اختلاس در سازمانهای دولتی رخ می‌دهد و اختلاس کننده الزاماً باید مأمور دولت باشد و مال یا وجهی را در اختیار او قرار داده باشند (همدمی خطبه سرا، ۱۳۸۳، ص ۹۳).

هر یک از کارکنان دولت وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمانها و مؤسسات مندرج در قانون یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به او سپرده باشد به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب یا عملاً تلف نماید، اختلاس کننده محسوب می‌شود (مهاجری، ۱۳۷۹، ص ۳۰۸).

وقوع اختلاس به وجود دو عامل قصد و فرصت منوط است. اختلاس واقع نمی‌شود مگر اینکه ابتدا "قصد" آن در ذهن ارتکاب شونده شکل گرفته باشد که این قصد یا عامل درونی و یا عامل بیرونی و محیطی دارد و عامل مهم دیگر "فرصت" است. برای ارتکاب عمل متقلبانه یا اختلاس باید فرصت آن برای مرتکب شونده وجود داشته باشد.

عوامل شکل‌گیری ایجاد قصد اختلاس عبارت است از:

الف) مشکلات مالی

ب) سلوک و نگرش گروهی مشوق بر موضوع اختلاس؛ گاه این نگرش که "همه آن را انجام می‌دهند" در محیط کار حاکم می‌شود.

ج) نارضایتی و کینه جویی

د) فشار هممتایان یا همکاران: این عامل انگیزش بخشی از فرهنگ گروهی است.

ح) یکی از مهمترین عوامل انگیزشی که سبب ایجاد "قصد" ارتکاب اختلاس در متخلف می‌شود، فقر است. این فقر یا مادی است و یا معنوی. به اعتقاد "دورکیم" و "مرتن" انسانی که نیاز شدید به پول دارد، امکان افزایش درآمد هم برایش میسر نیست و راه‌های مشروع نیز بر او بسته است از طریق نا مشروع سعی در ارضای نیازهایش خواهد کرد.

و) میزان بازدارندگی کنترل‌های اداری مناسب و بموقع (قدرت بازدارندگی ناشی از خطر کشف وقوع جرم)

ز) شدت و اثر مجازات برای مرتکبان اختلاس؛ آنچه در عمل اتفاق می‌افتد مهم است نه آنچه وضع شده است.

مدیران و رده‌های میانی سازمان‌های دولتی که مسئولیت و اختیارات لازم را برای استفاده از منابع مالی سازمان بر عهده دارند (با وجود کنترل‌ها و نظارت‌های گوناگون و مراحل مختلف فعالیتهای مالی) ممکن است به اختلاس و سوء استفاده از این منابع بپردازند. این جریان معمولاً از طریق نهاد مجعول یا دست بردن در حسابهای مالی به وقوع می‌پیوندد. چون بحث اختلاس و ارتشا از مشکلات غالب کشورهای جهان است. مطالعات و بررسیهای گوناگونی در این زمینه به عمل آمده است. در بررسی ریشه‌های عوامل بروز اختلاس، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی و ساختاری را می‌توان دخیل دانست. فقر و نبود تأمین اجتماعی کافی و ترس از آینده از مهمترین عوامل ایجاد و استمرار دو مقوله اختلاس و ارتشا در هر جامعه‌ای شناخته می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه منتشر شده در سال ۱۳۸۳ به نقل از گزارش بانک جهانی، که بر اساس پژوهشها منتشر کرده بود، آورده است: در سطح سازمان یا کشور به هر میزان که میزان انحصارات، سلیقه‌ها و امکان تصمیم‌گیری بر مبنای تشخیصهای فردی بیشتر باشد و نیز به هر میزان که افراد و سازمانها الزام و اجبار کمتری برای توجیه تصمیمات و اقدامات خود احساس کنند به همان میزان امکان وقوع اختلاس بیشتر خواهد بود.

جرم اختلاس^۴ که به عنوان یکی از مصداقهای فساد مالی و جرائم مخرب در نظام اداری و اقتصادی کشورها مطرح است از جرائمی است که بر اثر وقوع سبب نقض اعتماد بین دستگاه دولتی با کارمندان و تحمیل هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی سنگین می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵).

۷. نظریه فنون خنثی سازی^۵

این نظریه نخستین بار به صورت جامع و کامل توسط دو تن از پژوهشگران حوزه جرم و جامعه‌شناسی به نامهای دیوید متزا^۶ و گرشام سایکز^۷ در دهه ۶۰ میلادی در امریکای شمالی به منصفه ظهور رسید.

^۴. Embezzlement

^۵. Techniques of neutralization

^۶. Metza

به عقیده متزا بزهدکاری نوجوانان به طور خاص و بزهدکاری سایر افراد به طور عام می‌تواند معلول به کارگیری توجیهاتی باشد که وی آنها را فنون خنثی سازی می‌نامد. متزا این فنون را به پنج دسته کلی تقسیم کرد: انکارمسئولیت، انکار خسارت، انکار وجود بزه دیده، محکوم کردن محکوم کنندگان، پیروی از اصل وفاداری نسبت به مافوق و دوستان و نزدیکان.

این شیوه‌ها ناظر به قبل از وقوع جرم است. استفاده از این توجیهات در واقع خنثی‌سازی عقلانیت و وجدان درونی فرد است که نتیجه آن آسان سازی ارتکاب جرم است.

دونالد کرسی در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی ضمن تحلیلها و پژوهشهای خود در مورد جرائمی که متضمن نقض اعتماد است جداگانه با ۲۰۰ نفر از محکومان به اختلاس مصاحبه به عمل آورد. کرسی دریافت اختلاس کنندگان، افرادی هستند؛ اینان بعضاً مسئولیتهای مهم مالی نیز بر عهده داشته‌اند. کرسی برای ارتکاب اختلاس فرایندی با سه مرحله را بیان می‌کند که به مثلث تزویر^۸ معروف شده است؛ در این مثلث ضلع خنثی‌سازی (وجود مشکل مالی غیرقابل بیان از نظر نظر مرتکب جرم) و ضلع بعدی توجیه گرایی (وجود فرصت مناسب محرک استفاده از آن) و ضلع سوم آخرین و مهمترین مرحله از فرایند ارتکاب جرم، چیزی است که کرسی آن را توجیه سازی یا دلیل تراشی و دیوید متزا آن را فنون خنثی‌سازی می‌نامد. در این مرحله فرایند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه به وقوع می‌پیوندد (سلیمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲).



نمودار (۱): سیر تحولات مقررات و مصوبات قانونگذاری در خصوص جرم اختلاس

(منبع: سلیمانی، ۱۳۹۲)

^۷. Saigs

^۸. fraud triangle

۸. قوانین و مقررات جزایی قبل از انقلاب

تا پیش از انقلاب مشروطیت در کشور ما قوانین مدونی وجود نداشت و برای رفع اختلاف از احکام و مقررات اسلامی استفاده می‌شد. در امور جزایی معمولاً رفتاری جرم به شمار می‌آمد که در شرع، حرام بود و مجازات‌هایی از انواع دیه و قصاص و حد و تعزیر برای آن وجود داشت و بنا بر این اختلاس نمی‌توانست بیش از ربودن مال غیر به صورت پنهانی مصداق داشته باشد؛ زیرا در شرع و به نظر فقها اختلاس همان ربودن مال منقول متعلق به غیر به صورت خفیه و پنهانی است و دلیلی نبود که اختلاس را به معانی امروزی یعنی جرمی تلقی کنند که به اعتبار مأمور رسمی و غیررسمی دولت بودن مرتکب و سوءاستفاده او از موقعیت قانونی خویش متصور است.

بعد از پیروزی انقلابیون و امضای فرمان مشروطیت به وسیله مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۳۴ هجری قمری برابر با ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی تا اوایل سلطنت پهلوی قانون مدونی در خصوص جرائم نبود که تعریفی از جرائم کرده باشد و اختلاس را با عناصر تشکیل دهنده آن مشخص سازد تا در سال ۱۳۰۴ قانون مجازات عمومی به تصویب رسید که ماده ۱۵۲ و ۱۵۳ در مورد اختلاس بود و مقرراتی را در این زمینه وضع، و مرتکب اختلاس را معلوم، و مجازات مرتکبان را بر حسب مورد تعیین کرد (رمضانی، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

ماده ۱۵۲ این قانون مقرر کرد: هر یک از تحصیلداران و معاونان آنها و امانتداران و محاسبان اسناد صندوق دولتی، که نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد و مطالبات که به منزله نقدینه است یا اوراق حوالجات یا اسناد منقوله را که بر حسب وظیفه سپرده شده به آنهاست، اختلاس، و یا هر تصرف غیر قانونی نماید به علاوه رد مال و تأدیه غرامت معادل نصف مال محکوم به انفصال از خدمت دولت از یک تا ده سال خواهند گردید. ولی در ماده ۲ قانون مجازات اختلاس کنندگان اموال دولتی مصوب ۱۳۰۶، که در تکمیل مواد یاد شده تصویب شد، علاوه بر مجازات‌های مواد یاد شده، مقرر گردید: هرگاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از ۵۰۰ تومان باشد، حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا دو سال و هرگاه میزان بیش از ۵۰۰ تومان باشد، حبس جنایی درجه ۲ از ۲ سال تا ۱۰ سال اختلاس کنندگان محکوم می‌گردند و در ماده ۳ قید شده انفصال از خدمت دولت که در موارد قبل موقت تعیین شده بود، ابدی خواهد بود.

قانون دیگر در مورد اختلاس قانون مجازات مرتکبان قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹، است که در ماده ۱۶ قانون مقرر کرده است:

کسانی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم مأمور کشف قاچاق یا تعقیب یا مجازات مرتکبان آن هستند و خود مرتکب قاچاق شوند یا شرکت یا معاونت در ارتکاب کنند؛ هم‌چنین مأموران ذی‌ربطی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبی خودداری، و یا برخلاف شرایط مقرر در ماده ششم ارفاق کنند و با رعایت بند ۴ قانون متمم دیوان جزای عمال دولت مصوب ۳۰ آبان ۱۳۸۰ در حکم اختلاس کننده و به مجازات اختلاس کنندگان اموال دولتی محکوم خواهند شد مگر اینکه عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات اشد محکوم می‌گردند (نورزاد، ۱۳۸۳، ص ۳۴ و ۳۳).

جرم موضوع این ماده جرم خاص مأموران دولتی است؛ هر چند در این ماده از مرتکب جرم با استفاده از کلمه کسانی نام برده شده است و این کلمه مطلق است و شامل کارمندان دولت و افراد عادی می‌شود. به لحاظ اینکه فقط مأموران در ارتباط با کشف قاچاق یا تعقیب مرتکبان مأموریت می‌گیرند و از طرفی اختلاس فقط در مورد کارمندان دولتی مصداق دارد (مهاجری، ۱۳۷۹، ص ۳۲۰).

قانون دیگر در مورد اختلاس قانون دادرسی و کیفر ارتش است که قانونگذار در ماده ۴۰۰ قانون یاد شده مجازات اختلاس کنندگان نظامی را تعیین و مقرر کرده است: هر مدیر یا محاسب و صندوقدار یا تحویلدار نظامی که از نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد مطالبات که به منزله نقدینه است یا برگها یا حوالجات یا اسناد یا سایر اجناس و اشیای منقول که بر حسب وظیفه سپرده به اوست، اختلاس، و یا تصرف غیر مجاز نماید با رعایت مقررات مواد ۵۴ و ۵۳ این قانون علاوه بر رد عین بهای آن به حسب ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود (رمضانی، ۱۳۸۳، ص ۸۰).

۹. قوانین و مقررات بعد از انقلاب

اصل ۴۹ قانون اساسی: دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غضب، رشوه، اختلاس، دزدی، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را بگیرد و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود (حسینی عراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). گفتنی است: این اصل با توجه به بر جستگی قانون اساسی نسبت به سایر قوانین به سبب صلاحیت برتر واضح آن و شیوه خاص تجدید نظر در آن ایجاب می‌کند که تمام قوانین مصوب کشور با آن منطبق باشد؛ یعنی در معنی و مفهوم چیزی خلاف اصول قانون اساسی در بر نداشته باشد و این حکایت از اهمیت موضوع اختلاس دارد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۵، ص ۴۸).

قانون تعزیرات: پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین قانون جزایی که در مورد اختلاس به تصویب رسید، قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ بود که در ماده ۷۵ این قانون اختلاس را جرم می‌داند و مقرر می‌کند: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت یا مأموران به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی و دیوان محاسبات عمومی و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و دارندگان پایه‌های قضایی وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمانها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کند به عنوان اختلاس کننده علاوه بر مجازات مقرر اداری در وجه یا مال مورد اختلاس به حبس از ۶ ماه تا ۵ سال محکوم می‌شود (قربانی، ۱۳۸۰، ص ۵۰۱).

قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری: در سال ۱۳۶۷ این قانون به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و جایگزین ماده ۷۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ شد و بندهای مرتبط با اختلاس در آن عبارت است از:

ماده ۴: کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، علاوه بر ضبط تمام اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد آن اموال در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند، مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

ماده ۵: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی از رسمی یا غیر رسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید، اختلاس کننده محسوب، و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

تبصره ۱: در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۲: چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و یک تا ۵ سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۵: هر گاه میزان اختلاس زائد برصد هزار ریال باشد در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچ گونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۶: در تمام موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۸۸).

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (مصوب ۸۲/۱۱/۱۲): در مورد نظامیان در سال ۱۳۷۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح به تصویب رسید و ماده ۱۱۹ جایگزین ماده ۹۴ قانون تعزیرات شد.

ماده ۱۱۹ ق.م.ج.ن.م در خصوص اختلاس مقرر می‌دارد:

ماده ۱۱۹ - هر نظامی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا اسناد و اشیا و لوازم و یا سایر اموال را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نماید اختلاس کننده محسوب، و علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس حسب مورد به مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می‌شود و در تبصره‌های آن تصریح شده است:

تبصره ۱- چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد، مرتکب به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

تبصره ۲- هرکس با علم به اینکه اموال مورد اختلاس فوق الذکر به نیروهای مسلح تعلق دارد آن را خریداری یا در تزییع آن مساعدت نماید، علاوه بر استرداد اموال یا حسب مورد مثل یا قیمت آنها به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.

بر اساس این ماده تحقق عناصر جرم به ترتیب عبارت است از: عنصر قانونی جرم؛ خیانت مأمور دولت در مورد اموال سپرده شده بر حسب وظیفه به او و عنصر مادی جرم، برداشت و تصاحب " وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا اسناد و اشیا و لوازم متعلق به نیروهای مسلح را که به او سپرده شده توسط هر نظامی (فقط کارکنان نیروهای مسلح) به نفع خود یا دیگری و عنصر معنوی جرم اینکه مرتکب آن باید عالماً و عامداً مرتکب تصاحب و برداشت وجوه شده باشد و علاوه بر سوء نیت عام (تصاحب و برداشت اموال متعلق به دولت) سوء نیت خاص (در نتیجه تصاحب و برداشت اموال متعلق به دولت باید نفعی برای خود شخص یا دیگری حاصل شده باشد). هم باشد؛ زیرا این جرم از جرائم عمدی است.

"ماده ۱۲۳- هر نظامی که زائد بر یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال اختلاس کند در صورت وجوه دلائل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود."

"ماده ۱۲۴- در هر مورد از بزه‌های مندرج در مواد (۱۱۸) و (۱۱۹) این قانون، که مجازات حبس برای آن مقرر شده نظامی مرتکب از تاریخ صدور کیفر خواست از شغل خود معلق خواهد شد.

دادسرا مکلف است صدور کیفر خواست را به سازمان ذی ربط اعلام کند. در صورتی که متهم به موجب رأی قطعی براءت حاصل کند، ایام تعلیق جزء خدمت او محسوب می‌شود و حقوق و مزایای مدتی را که به علت تعلیقش نگرفته دریافت خواهد کرد.

تبصره- فرمانده نیرو یا رئیس سازمان مربوط در نیروهای مسلح و مقامات بالاتر نظامی می‌توانند پس از پایان بازداشت موقت یکماهه، وضعیت (بدون کاری) - مذکور در قوانین استخدامی نیروهای مسلح - را تا پایان رسیدگی و دادرسی اعمال کنند (رضوی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۱).

قانون مجازات اسلامی: در ماده ۶۰۶ این قانون مقرر شده است: هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسئولان سازمانها که از وقوع جرم اختلاس در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شوند و مراتب را حسب مورد به مراجع

صلاحیتدار قضایی یا اداری اعلام نکنند، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انقصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد .

۰۱. حسابرسی^۹

حسابرسی رسیدگی یا پی جویی به مجموعه صورتهای مالی، مدارک حسابداری و سایر شواهد پشتوانه، اعم از داخل و خارج از شرکت صاحب کار، توسط حسابرسان مستقل است؛ به عبارت دیگر حسابرسی، فرایند منظم و با قاعده (سامانمند) جمع‌آوری و ارزیابی بیطرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیتها و وقایع اقتصادی به منظور تعیین انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش نتایج به افراد ذی‌نفع است (نیکخواه آزاد، ۱۳۸۸، ص ۳).

حسابرسی به مفهوم اعم کلمه، هرگونه رسیدگی است که به منظور تأیید یا اظهار نظر نسبت به درستی هرگونه مدارک و اسناد مالی توسط شخصی مستقل از تهیه کننده یا تهیه کنندگان آن مدارک و اسناد به عمل آید؛ چنین رسیدگی علاوه بر تجزیه و تحلیل مدارک و اسناد مورد نظر و تطبیق آنها با مستندات اولیه، طبعاً شامل پژوهش در اطراف چگونگی معاملاتی که آن اسناد و مدارک نشاندهنده نتیجه آنهاست و به طور کلی هر گونه اقدامی که برای رسیدن به آن هدف لازم باشد، نیز خواهد بود (میگ^{۱۰}، ۱۳۸۵، ص ۳۵ و ۲).

۱۱. نظریه مثلث تقلب

چارچوب مثلث تقلب (نشانگر ۱) به صورت رسمی توسط حرفه حسابرسی به عنوان بخشی از بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۹۹ امریکا انتخاب شده است. اصطلاح مثلث تقلب را پروفسور دونالد کریزی و هنگام مطالعه در مورد گونه‌های تقلب مطرح کرد. پروفسور کریزی سه عامل "فشار"، "فرصت" و "توجیه" را عوامل مؤثر در وقوع تقلب می دانست (نظری و صیادی، ۱۳۹۱).

^۹. Audit

^{۱۰}. Migz



نمودار (۲): نشانگر ۱ (منبع: نظری و صیادی، ۱۹۳۱)

بنابراین برای اینکه تقلب انجام شود باید سه عامل انگیزه، فرصت و توجیه باشد. مثلث تقلب با مثلث آتش مقایسه می‌شود. برای اینکه آتش سوزی رخ دهد به سه عنصر اساسی نیاز است: اکسیژن، سوخت و گرما. ترکیب این سه عنصر مثلث آتش را تشکیل می‌دهد که در نشانگر (۲) داده شده است. هنگامی که این سه عنصر با هم ترکیب شود، آتش سوزی رخ خواهد داد. مأمور آتش نشانی می‌داند که با حذف هر یک از این سه عنصر براحتی می‌تواند آتش را مهار کند (وکیلی فرد و دیگران، ۱۳۸۸).



نمودار (۳): نشانگر ۲ (منبع: وکیلی فرد و دیگران، ۱۳۸۸)

۱۲. انواع حسابرسی

۱-۲۱. **حسابرسی صورتهای مالی:** هدف این نوع حسابرسی تعیین مطابقت چگونگی تهیه صورتهای مالی با اصول پذیرفته شده حسابداری است. حسابرسی صورتهای مالی معمولاً توسط مؤسسات حسابرسی انجام می‌شود. استفاده کنندگان از آن شامل مدیریت، سرمایه‌گذاران، بانکها، اعتباردهندگان و سازمانهای دولتی و تحلیل‌گران مالی هستند.

۲-۱۲. **حسابرسی رعایت:** اظهار نظر حرفه‌ای در این خصوص که آیا قوانین و مقررات ابلاغ از مراجع ذی‌صلاح قانونی به شرکت به گونه صحیحی رعایت می‌شود یا خیر؛ مثال: رسیدگی اظهارنامه مالیاتی توسط ممیزان اداره دارایی است که خود نوعی حسابرسی به‌شمار می‌آید. این حسابرسی به منظور تعیین مطابقت داشتن یا نداشتن اظهارنامه مالیاتی با قوانین مالیاتی و مقررات اداره دارایی انجام می‌شود.

۳-۱۲. **حسابرسی عملیاتی:** بررسی قسمتهای خاصی از سازمان به منظور سنجش چگونگی عمل آنهاست؛ برای مثال: عملیات قسمت دریافت کالای یک شرکت تولیدی می‌تواند براساس میزان مؤثر بودن عملیات آن قسمت یا به عبارتی موفقیت آن در رسیدن به هدفها و مسئولیتهای تعیین شده، ارزیابی شود. چگونگی اجرای عملیات قسمت نیز می‌تواند با معیار کارایی یعنی میزان موفقیت در بهترین استفاده منابعی سنجیده شود که در اختیار قسمت بوده است (جباری و صادقی، ۱۳۹۰، ص ۷).

۱۳. ویژگیهای حسابرس

ویژگیهای لازم حسابرس به طور مستقیم تابع شرایطی است که نیاز به حسابرسی را به وجود آورده است و فرایندی که این نیاز را بر آورده می‌سازد. این ویژگیها را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: فردی و ساختاری.

ویژگیهای فردی: خصوصیتی است که به حسابرس منحصر است. استقلال، صلاحیت حرفه‌ای، صلاحیت اخلاقی و سایر ویژگیهای مشابه از جمله آنها است.

ویژگیهای ساختاری: برخی از ویژگیهای حسابرس از سوی استفاده کنندگان برون سازمانی اطلاعات به او واگذار شده است. این ویژگیها که تحت عنوان ویژگیهای ساختاری شناخته می‌شود، شامل اختیار و پذیرش است (نیکخواه آزاد، ص ۳۲).

۱۴. مسئولیت حسابرس

هرگاه حسابرسان کاری را به عهده بگیرند، باید آن را با رعایت مراقبتهای حرفه‌ای انجام دهند.

هدف حسابرسی صورتهای مالی این است که حسابرس بتواند درباره انطباق صورتهای مالی تهیه شده از تمام جنبه‌های با اهمیت با استانداردهای حسابداری اظهار نظر کند. حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که از نبود تحریف با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه در صورتهای مالی، اطمینانی معقول به دست آید. اگرچه

حسابرسی می‌تواند عاملی بازدارنده باشد، مسئولیت پیشگیری از تقلب و اشتباه با حسابرس نیست و نمی‌تواند باشد (میگز، ۱۳۸۸، ص ۹۳).

هر چند مسئولیت اصلی پیشگیری و کشف تقلب و اشتباه در سطح یگان بر عهده فرمانده یا مدیر یگان است، مسئولیت کشف تقلب و اشتباه در صورتهای مالی در ارتباط با حسابرس است؛ لذا حسابرس هنگام برنامه‌ریزی و اجرای روشهای حسابرسی و ارزیابی و گزارشگری نتایج باید خطر وجود تحریف با اهمیت را در صورتهای مالی در نظر گیرد که از تقلب یا اشتباه ناشی می‌شود.

۱۵. حسابرسی و اختلاس

غالباً اختلاس با سندسازی (مدارک و اسناد مالی) همراه است. افرادی که مرتکب بزه اختلاس می‌شوند برای اینکه جرم آنها کشف نشود، تلاش می‌کنند با ساختن اسناد جعلی، ترتیبی بدهند کسی متوجه اموال تصاحب شده نشود و کسری در حساب نباشد. قانونگذار در مواردی که اختلاس با جعل سند همراه است با تعیین مجازات جداگانه، مجازات اختلاس کننده را تشدید کرده است.

از آنجا که کشف مجهول در هر رشته علمی و از آن جمله کشف اشتباه (تقلب) در حسابرسی مستلزم این است که اندیشه به راهی درست به کار افتد (اکبری و علی مدد، ۱۳۸۹، ص ۱) اغراق نیست اگر گفته شود، بدون سامانه منظم حسابرسی و ارتباط تنگاتنگ آن با حسابداری، مدیریت بر هر سازمانی ناممکن می‌نماید؛ چرا که حسابداری و حسابرسی دو مقوله بسیار اساسی است که تحقق و عمل بدانها، سبب جلوگیری از انحرافات و موجبات بقا و تداوم هر سازمانی را فراهم می‌آورد؛ از باب مثال در این رابطه می‌توان به موضوع راجرسون اشاره کرد: یکی از مأموران پلیس استرالیا (سیدنی) به نام راجرسون معروف به راجر طفره، که با اتهامات زیادی از قبیل قتل، توطئه برای ارتکاب قتل، رشوه‌گیری، جعل اسناد و اجازه دزدیهای مسلح و قاچاق هروئین مدت مدیدی تحت نظر نیروهای حفاظتی و بازرسی بود به رغم تلاشهای بسیار، اتهامات وارد شده به وی ثابت نشد و در اذهان شکست ناپذیر به نظر می‌رسید تا اینکه پس از تشکیل یک دادگاه انتظامی در حسابرسی مالی حسابهای بانکی وی (که با نامهای ساختگی آنها را باز کرده بود). شناسایی، و مبلغ ۱۱۰۰۰۰ دلار استرالیا موجودی شناسایی، و جرم وی اثبات، و از نیروی پلیس اخراج شد.

مواردی مانند آنها که شرح داده شد به این منجر شد که حسابرسهای مالی به عنوان روشی استاندارد برای مبارزه با فساد پذیرفته شود.

حسابرسیهای مالی را می‌توان تصادفی و برای بازداشتن مأموران از تخلف و ارزیابی عملکرد آنان و یا – به احتمال بیشتر – به صورت هدفمند و برای اثبات اتهامات (یا بی‌گناهی) مأموران انجام داد (پرنزله، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴).

۱۶. تقلب (اختلاس) از دیدگاه حسابرسی

اختلاس از دیدگاه حسابرسان با عنوان تقلب نام برده می‌شود و تقلب^{۱۱} تحریف واقعیت‌های با اهمیت توسط شخصی است که می‌داند مطلبش واقعیت ندارد یا ارائه واقعیت‌هایی با بی توجهی کامل نسبت به صحت یا سقم آن با قصد فریب دادن دیگران با این نتیجه که طرف مقابل، زیان ببیند (میگز، ۱۳۸۸، ص ۳۵)؛ به عبارت دیگر، "تقلب" هرگونه اقدام عمدی یا فریبه‌کارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی است. هرچند تقلب مفهوم قانونی گسترده‌ای دارد، آنچه به حسابرسان مربوط می‌شود، اقدامات متقلبانه‌ای است که به تحریف با اهمیت در صورتهای مالی می‌انجامد. هدف برخی از تقلبات ممکن است تحریف صورتهای مالی نباشد. حسابرسان درباره وقوع تقلب قضاوت حقوقی نمی‌کنند. تقلبی که با دخالت یک یا چند نفر از مدیران واحد مورد رسیدگی روی می‌دهد، "تقلب مدیران" و تقلبی که تنها توسط کارکنان واحد مورد رسیدگی صورت می‌پذیرد، "تقلب کارکنان" نامیده می‌شود. در هر دو حالت، ممکن است تبانی با اشخاص ثالث خارج از واحد مورد رسیدگی نیز باشد (کمیته حسابرسی، ص ۲۱۷).

تقلب شامل وجود انگیزه برای ارتکاب تقلب و استفاده از فرصت برای ارتکاب آن است. بعضی افراد ممکن است، مثلاً به دلیل خرج بیش از درآمد، انگیزه سوء استفاده از داراییها را پیدا کنند. مسئولان و مدیران ممکن است به دلیل فشارهای درون یا برون سازمانی برای کسب سود مورد انتظار (و شاید غیر واقع‌بینانه) به گزارشگری مالی متقلبانه روی آورند به ویژه هنگامی که پیامدهای عدم دستیابی به آن برای مدیران اهمیت داشته باشد. فرصت گزارشگری مالی متقلبانه یا سوء استفاده از داراییها هنگامی می‌تواند پدید آید که فرد می‌داند به دلایلی چون مورد اعتماد بودن یا آگاهی از ضعفهای خاص در سامانه، کنترل‌های داخلی را می‌توان نادیده گرفت.

وجه تمایز بین تقلب و اشتباه، عمدی یا غیرعمدی بودن اقدامی است که به تحریف در صورتهای مالی بینجامد. تقلب برخلاف اشتباه، عمدی است و معمولاً با کتمان آگاهانه واقعیتها همراه است. اگرچه حسابرسان ممکن است بتوانند فرصتهای بالقوه ارتکاب تقلب را شناسایی کند، تشخیص نیت مرتکب، اگر غیر ممکن نباشد برای وی بسیار دشوار است. بویژه در موضوعاتی که به قضاوت مدیریت برمی‌گردد (مانند برآوردهای حسابداری و به کارگیری درست و مناسب استانداردهای حسابداری) (وکیلی راد و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۷).

نشریه ۱۸۸ سازمان حسابرسی تقلب را فریبکاری عمدی می‌داند که به دو شکل دروغگویی و گول زنی در می‌آید. امانی و دوانی (۱۳۸۴، ص ۵۸) معتقدند در واقع متقلبان «قلب ماهیت می‌کنند» و قضایا را وارونه جلوه می‌دهند، تقلب از مصداقهای مهم فساد است که عمدتاً کاربرد مالی دارد. تقلب، دزدی و اختلاس عموماً در فرایندی صورت می‌گیرد که انگیزه اصلی عاملان آن برآورد نیازهای مالی است.

^{۱۱}. Fraud

۱۷. تردید حرفه‌ای و روش کار حسابرس

حسابرس، حسابرسی را با تردید حرفه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند. حسابرس برای شناسایی و ارزیابی مناسب مواردی چون نمونه‌های زیر به چنین نگرشی نیاز دارد: موضوعاتی که خطر تحریف با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه در صورتهای مالی را افزایش می‌دهد؛ مانند ویژگیهای مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی.

وضعیتی که شک حسابرس را درباره وجود تحریفهای با اهمیت در صورتهای مالی برمی‌انگیزد. شواهد شامل شناخت حسابرس از حسابرسیهای قبلی که امکان اعتماد اظهارات کتبی و شفاهی مدیران را مورد شک قرار می‌دهد.

حسابرس شناخت خود را از فعالیت واحد یا یگان مورد رسیدگی با پرس و جو از فرماندهان و مدیران یگان و بخشهای نظارتی درباره ارزیابی آنها از خطر تقلب و سامانه‌های برقرار شده برای پیشگیری و کشف آن تکمیل می‌کند. علاوه بر این، حسابرس از مدیریت مالی درباره سامانه‌های حسابداری و کنترل داخلی برقرار شده برای پیشگیری و کشف اشتباه نیز پرس و جو می‌کند. از آنجا که مدیریت مالی مسئولیت استقرار سامانه‌های حسابداری و کنترل داخلی و تهیه صورتهای مالی واحد مورد رسیدگی را بر عهده دارد، پرس و جوی حسابرس از مدیریت درباره چگونگی ایفای این مسئولیت، ضروری است.

باتوجه به این واقعیت، که تقلب معمولاً کتمان می‌شود، کشف آن خیلی مشکل است؛ با وجود این، حسابرس با استفاده از شناختی که از فعالیت واحد مورد رسیدگی دارد، ممکن است رویدادها یا وضعی را شناسایی کند که فرصت، انگیزه یا ابزار ارتکاب تقلب را به وجود می‌آورد یا بیانگر این باشد که ممکن است تقلبی قبلاً رخ داده باشد. این گونه رویدادها یا موقعیتهای "عوامل خطر تقلب" نامیده می‌شود (ادهمی و خواجوی، ۱۳۹۱، ص ۳۳).

با توجه به سطور قبل می‌توان گفت حسابرسان در بررسی تقلب دو نوع تحریف عمدی را مدنظر قرار می‌دهند:

الف) تحریف ناشی از گزارشگری مالی متقلبانه

گزارشگری مالی متقلبانه با تحریف یا حذف مبالغ یا موارد افشا از صورتهای مالی به عمد و به منظور فریب استفاده کنندگان صورتهای مالی، سر و کار دارد. گزارشگری مالی متقلبانه می‌تواند شامل موارد زیر باشد: فریبکاری از قبیل سندسازی و دستکاری یا تغییر سوابق حسابداری یا مدارک پشتوانه تهیه صورتهای مالی به منظور اختلاس و

ارائه نادرست یا حذف عمدی رویدادها، معاملات یا سایر اطلاعات با اهمیت در صورتهای مالی به کارگیری نادرست استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشا به عمد

ب) تحریف ناشی از سوء استفاده از داراییها

سوءاستفاده از داراییها شامل دزدی داراییهای یگان مورد رسیدگی است. سوءاستفاده از داراییها می‌تواند به راه‌های گوناگون، شامل اختلاس دریافتها، دزدی داراییهای ثابت مشهود یا نامشهود یا پرداخت وجه نقد از بابت کالا و خدماتی انجام شود که دریافت نشده است و اغلب به‌منظور پنهان کردن دزدی داراییها، با سوابق یا مدارک ساختگی یا گمراه کننده همراه است (وکیلی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

بر اساس آنچه گفته شد از دیدگاه تردید حرفه‌ای حسابرسان نمونه‌های ذیل می‌تواند نشان‌دهنده احتمال وجود تقلب (اختلاس) باشد:

شناسایی موضوعات با اهمیتی که پیشتر توسط مدیریت افشا نشده است.

اقدام عمده‌ای از حسابها که حسابرسی آن مشکل است.

شواهد متضاد یا ناکافی ارائه شده توسط مدیران یا کارکنان

شواهد کتبی غیرعادی مانند تغییرات دستی در مستندات یا تهیه مستندات دستی در جایی که این مستندات معمولاً توسط دستگاه‌های الکترونیکی تهیه می‌شود.

ارائه اطلاعات با اکراه یا تأخیر غیرمنطقی

سوابق حسابداری کاملاً ناقص یا ناکافی

معاملات بدون شواهد کافی و معتبر

معاملات غیرعادی از لحاظ ماهیت، اندازه یا پیچیدگی بویژه اگر در اواخر سال مالی روی داده باشد.

معاملاتی که طبق مجوز کلی یا خاص مدیران ثبت نشده است.

مغایرات عمده بین حسابهای کل و حسابهای معین یا بین شمارش فیزیکی موجودیها و سوابق حسابداری مربوط که بموقع و به نحو مناسب مورد بررسی و اصلاح قرار نگرفته است.

تفاوتهای عمده بین نتایج واقعی و نتایج مورد انتظار بررسیهای تحلیلی

دریافت پاسخ تأییدیه‌ها بمراتب کمتر از میزان مورد انتظار یا مشخص شدن مغایرات عمده بر مبنای تأییدیه‌های دریافتی

مانده حسابها و اسناد دریافتنی که مدت زیادی از سررسید آن گذشته است (دستورالعمل حسابرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۶).

حسابرسان علاوه بر موارد ذکر شده در راستای شناسایی و کشف تقلب (اختلاس) سر فصلهای زیادی را مورد

بررسی قرار می‌دهند و چون وجوه نقد بیشترین وسوسه را برای دزدی و سوء استفاده بر می‌انگیزاند و از طرفی داراییهای

سیال، خطر ذاتی زیادی دارد و اصولاً وجوه نقد جزو آن دسته از داراییهایی است که به علت دسترسی آسان، بیشترین

توجه سوءاستفاده کنندگان را به خود جلب می‌کند، این سرفصل توسط حسابرسان مورد پی‌جویی بیشتری واقع می‌شود

که در ذیل مواردی که در حسابرسی وجوه نقد مورد بررسی قرار می‌گیرد، ارائه می‌شود:

وجوه نقد معمولاً شامل وجوه نزد بانکها (حسابهای جاری)، وجوه موجود در صندوق و تنخواه گردان است. هدفهای

حسابرسان از رسیدگی به وجوه نقد، تعیین موارد زیر است:

کفایت کنترل‌های داخلی معاملات نقدی

اعتبار مبالغ ثبت شده (یعنی حتماً در صورت حساب بانکی وجوه دریافتی آمده باشد و سپس در دفترها ثبت شود).

ثبت دفتر بودن تمام حسابهای وجوه نقد (کامل بودن)

صحت محاسبات ریاضی جدولها و صورتهای وجوه نقد و مطابقت آنها با حسابهای دفتر کل (صحت محاسبات ریاضی)

کفایت افشا و مطلوبیت ارائه وجوه نقد

حسابرسان برای حسابرسی وجوه نقد به اثبات هر گونه درآمد بهره حاصل از سپرده کردن وجوه نقد نیز خواهند

پرداخت. حسابرسان بویژه نگران بیش از واقع نشان دادن وجوه نقد هستند؛ همان گونه که درباره سایر انواع داراییها

نگرانند. در نتیجه، اعتبار مبالغ ثبت شده بابت وجوه نقد، حایز بیشترین اهمیت است. حسابرسان علاوه بر نگرانی درباره

بیش از واقع نشان داده شدن وجوه نقد، می دانند که ممکن است در طول سال مالی از این وجوه سوءاستفاده شده باشد؛

هر چند وجوه نقد در پایان سال مالی بدرستی ارائه شده است.

مواردی که مانده وجوه نقد صحیح است اما باید بیشتر باشد، مشکل حسابرسان، نادرست بودن مبلغ وجوه نقد نیست،

بلکه صرف تخلف و اثر آن بر سایر حسابهاست. در نتیجه حسابرسان پرسشهای اساسی زیر را در ذهن خود می‌پرورانند:

۱. آیا دفترها و مدارک، تمام معاملات نقدی در طول سال را منعکس می‌کند؟

۲. آیا تمام پرداختهای نقدی دارای مجوز بوده و برای مقاصد اداری صورت گرفته است (حسینی عراقی، ۱۳۸۹،

ص ۲۰۰).

۱۷-۱. نمونه‌هایی از اختلاس مربوط به دریافتها و پرداختها که می‌تواند در اثر جستجو برای یافتن پاسخ سؤالات یاد

شده افشا شود به شرح زیر است:

برداشت از وجوه نقد دریافتی، قبل از ثبت آنها

پرداخت بابت مواد و کالایی که دریافت نشده است.

پرداختهای تکراری

پرداخت اضافی به کارکنان یا پرداخت به کارکنان واهی

پرداخت بابت هزینه شخصی رؤسا یا اشخاص وابسته

بدهکار کردن مشتری با مبلغی کمتر از قیمت کالا و خدمات ارائه شده و یا بدهکار نکردن مشتری

متورم کردن فاکتورهای خرید از طریق تبانی و سپس شریک شدن در مازاد آن

کم تحویل گرفتن کالاهای دریافتی از طریق تبانی و سپس اختلاس مازاد آن

اضافه پرداخت بستانکاران و متعاقب آن باز دریافت مبلغ اضافی و اختلاس آن

گنجاندن هزینه‌های شخصی در هزینه‌های دستگاه

گنجاندن سایر هزینه‌های غیر مربوط به حساب دستگاه
گنجاندن هزینه بیش از یک بار در حساب دستگاه (دستورالعمل حسابرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹).

۱۸. پیشگیری از جرم اختلاس

پیشگیری^{۱۲} به معنای به کار بردن روشهای احتیاطی برای جلوگیری از بیماریهای جسمی و روانی یا به عبارت دیگر، اجرای اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات ناخواسته است (بیات، شرافتی پور، عبدی، ۱۳۸۷، ص ۲۱). پیشگیری یک معنای لغوی دارد و یک معنای علمی و اصطلاحی. معنی لغوی دو قسمت دارد: ۱- جلوی وقوع چیزی را گرفتن ۲- هشدار دادن در مورد وقوع چیزی

در معنای اول یعنی به استقبال چیزی رفتن، جرم‌شناسی پیشگیرانه همراه با روشهای مختلفی ممکن است به کار گرفته شود. در این صورت هشدار دادن نسبت به وقوع جرم می‌تواند به عنوان فن پیشگیری به کار آید؛ مثلاً هشدار دادن به مردم در حفاظت از اتومبیلها. پس هشدار دادن نوعی تدبیر فنی است که در خیلی از پیشگیریها ممکن است مورد استفاده قرار بگیرد. در پیشگیری، معنای اول مدنظر ماست.

از نظر علمی و اصطلاحی، مفهوم پیشگیری به مفاهیم مختلط تعلق دارد؛ یعنی ترکیبی از نظریه و تجربه است؛ بدین معنا که پیشگیری ابتدا نظری مطرح می‌شود (بابایی، بازنویسی معین آبادی، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

۱-۱۸. ویژگی تدابیر پیشگیرانه

تدبیر یا اقدامی پیشگیری از بزهکاری است که هدف انحصاری آن تضمین جلوگیری از وقوع جرم باشد؛ یعنی این اقدامات بر عوامل یا فرایندهایی تأثیر قاطع بگذارد که به وقوع جرم منجر می‌شود.

اقدامهای خاصی است که باید قبل از ارتکاب جرم، قبل از اینکه حالتی به جرم تبدیل شود، اعمال گردد.

این اقداماتی است که چون قبل از وقوع جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد، فاقد ویژگی قهرآمیز و الزام آور است. کاستن از موقعیت و امکان ارتکاب جرم که قربانیان بالقوه کمتر در معرض رفتار مجرمانه قرار بگیرند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲، ص ۲۱).

۲-۱۸. ویژگیهای پیشگیری

کم هزینه بودن (زیرا پیشگیری از درمان بهتر است)

تأثیرگذاری قوی (علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد).

بازدارندگی (صفر آبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۰)

^{۱۲}. Prevention

۱۸-۳. فایده پیشگیری

در زمینه فائده توسل به پیشگیری دو دیدگاه مطرح شده است: یکی اینکه سرکوبی صرف، کارایی و فایده لازم را ندارد. دوم اینکه نه فقط مجازات کارایی ندارد بلکه ضرر هم داشته است.

در خصوص عدم کارایی مجازات گفته شده است که برای مجازاتها، کارکردها یا کارهای خاصی را پیش‌بینی کرده‌اند و آن جنبه آموزشی مجازات است. مجازات عبرت‌آموز، ارباب انگیز، ندامت آور و خنثی کننده است؛ لذا جنبه آموزشی دارد و سودمند است. به این کارکردهای سودمند، کارکرد دیگری اضافه می‌کنند و آن کارکرد اخلاقی مجازات است. در عین حال در حال حاضر اصل پیشگیری بر درمان مقدم است و امروزه به علت گستردگی، پیچیدگی و تنوع جرائم و تخلفات از اهمیت و جایگاه خاصی بویژه در سطح نیروهای مسلح برخوردار است (بابایی، بازنویسی معین آبادی، ۱۳۸۰، ص ۷۶).

بهترین راهکار اجرایی (کاربردی) در راستای توسعه فرهنگ پیشگیری در وقوع اختلاس در سطح سازمانها برابر نظر حسابرسان دولتی خبره کنترل حساب بانکی و وجوه نقد در سطح امور مالی به این شرح است:
افتتاح تمام حسابهای بانکی باید با اجرای مقررات قانونی و با رعایت ضوابط مربوط انجام شود.
احکام واگذاری اختیار استفاده کنندگان از حسابهای بانکی هنگام افتتاح حساب و یا معرفی امضای مجاز مد نظر قرار گیرد.

دسته چکها در اختیار شخص مسئول قرار گیرد و همزمان از دسته چکهای متعدد مربوط به یک حساب جاری استفاده نشود و دسته چک در محل امن و مطمئن (گاوصندوق) نگهداری شود.

ته سوش چکها مانند چک، تکمیل، و مانده‌گیری، و توسط امضا کنندگان مجاز امضا و مدارک پیوست نیز پاراف شود.
ته سوش چکها توسط امضا کننده ثابت به گونه‌ای پاراف شود که قسمتی از برگ چک را بپوشاند (پاراف در محل خط پرفراژ چک و ته سوش چک انجام شود). ضمناً بهتر است مدارک اصلی پیوست سند نیز پاراف گردد.
پرفراژ حتماً قبل از امضای چک انجام، و تأییدیه چکهای نیازمند به تأییدیه اقدام شود.

حتی‌المقدور از قلم خوردگی و پشت نویسی چکها خودداری و در صورت لزوم ابتدا و انتهای سطور با علامت (x) بسته، و در زیر آخرین سطر امضا شود تا جای مناسب برای اضافه کردن سطوری دیگر نباشد.

چکهای باطل با قلم قرمز و به صورت ضربدر روی چک مشخص، و سپس پانچ، و ضمیمه دسته چک شود.
چکهای صادر شده در وجه اشخاص و سازمانها از جمله چکهای مربوط به مالیات و حق بیمه و بدهی دستگاه اجرایی در محل مناسبی نگهداری و نسبت به تحویل و یا واریز آنها به حسابهای مربوط بموقع اقدام گردد.

هنگام مرخصی یا مأموریت مسئولان ذی ربط از صدور چک سفید امضا و در اختیار دیگران قرار دادن خودداری شده باشد.

هنگام امضای چک، باید سند حسابداری مربوط، ضمایم آن و دفتر صدور چک ضمیمه شود تا امضا کنندگان چک، ضمن بررسی صحت و سقم مشخصات چک صادر شده با سند حسابداری مربوط ضمایم آن دفتر صدور چک، همزمان ته چک و دفتر صدور چک را نیز امضا نمایند (در صورتی که نگاهداری حساب بانکی از طریق سامانه مکانیزه اجرا می گردد کنترل مربوط از این طریق معمول گردد).

به هیچ یک از کارکنان اجازه داده نشود که تمام امور مربوط به یک معامله را از ابتدا تا انتها به تنهایی انجام دهد. چکها حداقل با دو امضا صادر شده باشد.

برای چکهای بالاتر از پنجاه میلیون ریال حتماً تاییدیه به بانک فرستاده شود.

از نگاهداری وجود نقد نزد افراد جداً خودداری شود.

وجوه در یافتی در اسرع وقت در سامانه مالی ثبت شده باشد.

تمام پرداختهای نقدی را با چک انجام دهید بجز پرداخت هزینه‌های اندک که از تنخواه گردان پرداخت می‌شود.

صورت مغایرت بانک همه ماهه و توسط شخصی تهیه شود که مسئولیتی در مورد صدور چک یا حفاظت از وجوه نقد نداشته باشد. صورت مغایرت تهیه شده باید توسط یکی از رؤسای مربوط، کنترل و بررسی شود.

پرداخت وجوه شامل تمام پرداختهایی است که ذیحسابی دستگاه‌های اجرایی از طریق بانک و مقررات در وجه ذی نفع پرداخت می‌کنند.

وجود مدارکی دایمی برای پرداختها

صورت حسابهای بانکی باید همه ماهه از طریق بانک واصل، و به نحو مرتبی نگاهداری گردد.

صورت مغایرت بانکی همه ماهه تنظیم، و بر کنترل دائمی تا رفع مغایرتها توسط شخص عامل ذیحساب تأکید گردد.

مغایرتهای بانکی با ذکر تمام مشخصات چکها و اعلامیه‌ها و به صورت اصولی تهیه و تنظیم گردد.

فهرست چکهای از بانک برداشت شده که در دفترها سابقه مثبت ندارد، دقیقاً کنترل، و تا رفع شبهه یا کشف مفسده احتمالی ریشه‌یابی و پیگیری گردد.

در صورت کمبود نقدینگی، تقاضای ترمیم و یا اختصاص تنخواه، و از استفاده از موجودی حسابهای بانکی دیگر خودداری کنند.

در مورد چکهای صادر شده و مراجعه نشده به بانک، که بیش از شش ماه از تاریخ صدور آن گذشته است، تعیین تکلیف نمایید.

وجوه عمومی از محل اعتبارات عمومی یا اختصاصی به طور اعم به هیچ عنوان در صندوق یا حسابهای شخصی افراد نگاهداری نشود.

موجودی حسابهای راكد احتمالی در بانکها و دفاتر مورد بررسی قرار گیرد و موضوع به ذیحسابی منعکس شود.

نسبت به واریز بموقع وجوه مصرف نشده در پایان هر دوره مالی اقدام، و از تمرکز بی‌مورد وجوه عمومی در حسابهای بانکی خودداری نمایید.

دیوان محاسبات کشور با توجه به جایگاه قانونی در کشور برای جلوگیری از اختلاس و حفظ بیت‌المال، اجرای حسابرسی داخلی (کنترل داخلی) توسط هر دستگاه را ضروری می‌داند و خواستار اعلام نظر در خصوص لزوم وجود مرجع کنترل‌کننده داخلی و یا عدم کفایت مرجع کنترل‌کننده موجود در دستگاه‌های مورد رسیدگی باتوجه به گزارش حسابرسیها و رسیدگیهای انجام شده به منظور حفظ حقوق بیت‌المال از حساب‌برسان مربوط، و تأکید شده است به منظور جلوگیری از سوء استفاده از حساب بانکی جاری در دستگاه‌ها در حسابرسی باید اقدامات ذیل رعایت شده باشد:

هر نوع افتتاح حساب جاری به تشخیص ذیحساب و بنا به درخواست ایشان از طریق معرفی خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان صورت گیرد.

در اولین فرصت حسابهای غیر فعال دستگاه اجرایی از طریق خزانه یا نمایندگی خزانه بسته شود تا مورد استفاده قرار نگیرد.

صورت حساب بانکی حداکثر به طور محرمانه از شعبه بانک مربوط گرفته شود و توسط متصدی که وظیفه مسئولیتی در قبال صدور چک، ثبت دفتر روزنامه و کل و معین و دفتر صدور چک ندارد، صورت تطبیق بانکی تهیه، و در اجرای ماده ۹۵ ق.م.ع همراه صورت حساب عملکرد ماهانه به دیوان محاسبات کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال شود. نکته‌ای که در تهیه صورت تطبیق بانکی باید مراعات شود عبارت است از اینکه تک تک ارقام دریافتی و پرداختی مندرج در صورت حساب باید با دفتر بانک مطابقت داده شود و به صرف اینکه مانده صورت حساب با مانده بانک مساوی است و یا مابه التفاوت مانده‌ها از دید رسیدگی کننده روشن است، اکتفا نشود (شیخ ودودی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶).

۱۹. نتیجه گیری

با نگاهی به پرونده‌های جرائم کارکنان دولت براحتهی این نکته را در خواهیم یافت که یکی از رایجترین جرائم کارکنان دولت، اختلاس است. لازمه جلوگیری از وقوع این جرم، مشخص کردن مرتکبان جرم، علت‌های اقدام به آن و شناسایی چگونگی ارتکاب و راه‌های کشف جرم و در آخر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه است؛ لذا در این پژوهش، که با بررسیهای همه جانبه (مطالعه کتابخانه‌ای، مشخص کردن قوانین مربوط، مصاحبه با خبرگان شامل تعدادی از عاملان ذیحساب با سابقه، کارکنان خبره مالی و پشتیبانی، کارپردازان، کارشناسان ارشد حسابداری و حسابرسی و کارشناسان خبره حقوقی ناجا و کارشناسان خبره دیوان محاسبات و کارشناسان نظارتی درون سازمانی) به عمل آمد، این نتایج به دست آمد:

۱. کسانی به اختلاس اقدام کرده‌اند که به گونه‌ای در امور مالی مشغول بوده، و یا در ارتباط هستند؛ مانند مسئولانی که اجازه صدور دستور خرج را دارند و مسئولانی که وظیفه قانونی پرداخت را دارند (اعم از مسئولان مالی و کارکنان مربوط و هم‌چنین کارپردازان).

۲. علت‌های اقدام به اختلاس نیز مشکلات مالی، سلوک و نگرش گروهی مشوق بر موضوع اختلاس، نارضایتی و کینه جویی، فشار همتایان یا همکاران و یکی از مهمترین عوامل انگیزشی که سبب ایجاد "قصد" ارتکاب اختلاس در متخلف می‌شود، فقر است. این فقر یا مادی است و یا فقر معنوی. به اعتقاد "دورکیم" و "مرتن" انسانی که نیاز شدید به پول دارد، امکان افزایش درآمد هم برایش میسر نیست و راه‌های مشروع نیز بر او بسته است از طریق نا مشروع در ارضای نیازهایش سعی خواهد کرد.

مسئولیت اولیه در کشف و پیشگیری از تقلب (اختلاس) در سازمانها بر عهده مدیریت است؛ اما چون مدیران بر امور حسابداری و حسابرسی تسلطی ندارند و راه کشف و پیشگیری را نمی‌دانند، لازم است از حسابرسان استفاده کنند و چون به قول رنه دکارت دستیابی به شناخت و یقین با شک و تردید آغاز می‌شود، حسابرس با استفاده از اصل شک و تردید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند که تقلب و اشتباه با اهمیتی را کشف و گزارش کند که بر کیفیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی اثر می‌گذارد.

برابر نظریه‌های مدیریتی و حسابرسی، تقلب (اختلاس) در برگزیده انگیزش، فرصت و منافع است و رایجترین زمینه‌های تقلب به پرداخت بدهیها، حقوق و ادعاهای مربوط به هزینه‌ها و مزایا مربوط است. از آنجا که در دنیای واقعی، متقلبان آثاری از خود بر جای می‌گذارند که پلیس با رهگیری آن شواهد می‌تواند نسبت به شناسایی و دستگیری متهم اقدام کند در اختلاسها نیز که به امور مالی مربوط است به کارگیری حسابرسی می‌تواند با توجه به تجربه، تخصص و توجه به نشانه‌های حسابرسان و استفاده از چک لیستها، پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌ها و پرس و جوهای ساختارمند و برنامه‌های پیش ساخته به شناسایی و کشف اختلاس منجر شود. در آخر بر اساس مثلث تقلب و مثلث تزویر بر گرفته از نظریات حقوقی و حسابرسی، که مشابه مثلث آتش است با مهار هر یک از سه موضوع انگیزه، فرصت و توجه (اکسیژن، مواد سوختنی و جرقه آتش) برابر استاندارد ۹۹ حسابرسی می‌توان از وقوع اختلاس پیشگیری کرد.

۲۰. پیشنهادها

از آنجا که بازرسی ناجا عهده‌دار وظیفه نظارتی از سوی فرماندهی در ناجا است به منظور شناسایی، کشف و پیشگیری از اختلاس (در حال حاضر با توجه به ادبیات تحقیق موفقترین راه استفاده از حسابرسان خبره است) به تشکیل اداره حسابرسی با استفاده از کادر مالی خبره (با مدارک کارشناسی ارشد حسابداری یا تجارب خدمتی زیاد) اقدام کند.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی صیانتی مالی با استفاده از کارکنان با تجربه موفق مالی سازمانی و استادان برون سازمانی برای تمام مسئولان و رده‌های ناجا

اجرای بازرسی‌های نوبه‌ای از عملکرد مالی یگانها و رده‌های پشتیبانی کننده با استفاده از کارشناسان خبره مالی و مستقل صدور دستورالعمل‌های لازم مبنی بر:

الف) اجرای دقیق کنترل‌های داخلی هنگام خرید کالاها و اقلام و ملزومات و رعایت درج مشخصات کامل آنها در اسناد مربوط برابر مقررات و رعایت اصول انبارداری از نظر نظم و ترتیب و اصلاح ساختار تحویل و تحول

ب) واریز نکردن وجوه اعتبارات و درآمدها به حساب‌هایی که به صورت شخصی افتتاح می‌شود.

ج) ایجاد تشکیلات ممیزی دقیق، تقویت سامانه نظارتی، حسابرسی کل سالیانه در یگانها

د) بسترسازی فرهنگی از طریق تقویت ارزشهای اخلاقی و دینی، ترویج اصول درستکاری و اطلاع رسانی در مورد تأثیرات فساد ناشی از اختلاس در سازمان با استفاده از مطبوعات و رسانه‌های تبلیغی ناجا

ه) گنجاندن واحدهای درسی در ارتباط با موضوع جرم اختلاس در قوانین و مقررات و راه‌های مقابله با این فساد به منظور از بین بردن ریشه‌ها و عوامل آسان کننده وقوع جرم

فهرست منابع

- ادهمی، کریم؛ خواجهی، حسین (۱۳۹۱). *میز تشریح تقلب و حسابرسی تقلب*، حسابدار رسمی، ش ۴۱.
- اطلاعیه بانک مرکزی ایران در همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، بهمن ۱۳۷۹
- اکبری، فضل‌الله، علی مدد، مصطفی (۱۳۸۹). *بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه و تحلیل در حسابرسی*، سازمان حسابرسی.
- امانی، علی؛ دوانی، غلامحسین (۱۳۸۴). *فساد، تقلب، پولشویی*، حسابدار رسمی، ش هفتم.
- امیران، حیدر؛ محبوبی، احمدرضا؛ امیران، زهرا (۱۳۹۰). *آشنایی با اصول، مفاهیم و مبانی تفکر استراتژیک*.
- بابایی، محمد علی (ب.تا). *جرم‌شناسی*، (بازنویسی توسط خانم زهرا معین آبادی ۷۹ و ۸۰)، دانشگاه تربیت مدرس.
- بازگیر، یدالله (۱۳۸۱). *کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا در آرای دیوان عالی کشور*، دانش نگار.
- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر؛ عبدی، نرگس (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم، معاونت اجتماعی ناجا*.
- پرنزله، تیم (۱۳۹۱). *رفتارهای انحرافی در کار پلیس*، مترجم: ابوالفضل محمدی، مرکز تحقیقات بازرسی کل.
- جباری، مهرداد؛ صادقی، امراله (۱۳۹۰). *حسابرسی دولتی از تئوری تا عمل*، ترمه.

- حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۸). فلسفه حسابرسی، انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسینی عراقی، سید حسین (۱۳۸۸). حسابرسی دولتی، دانشکده امور اقتصادی.
- دستورالعمل حسابرسی ج اول و دوم، سازمان حسابرسی، ش ۹۵، اسفند ۱۳۸۹.
- رضوی، محمد (۱۳۸۵). جرائم و مجازات نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح، ناشر هستی نما.
- رضوی، محمد (۱۳۸۶). حقوق کیفری نیروهای مسلح، دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- رضایی، احمد (۱۳۸۳). اختلاس (بررسی فقهی - حقوقی)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سلیمانی، سجاد (۱۳۹۲). تحلیل جرم شناسی اختلاس، کارگاه، ش ۲۳.
- شیخ ودودی، ابوحمزه (۱۳۸۷). قوانین و مقررات، آرا هیئتهای عمومی و دستورالعملهای حسابرسی و رسیدگی، شیخ ودود.
- صفرآبادی، ایمان (۱۳۸۸). جاسوسی و ضد جاسوسی، معاونت آموزش ناجا.
- عباس زادگان، سید محمد (۱۳۸۹). فساد اداری، دفتر پژوهشها فرهنگی.
- قاضی شریعت پناهی، سید ابولفضل (۱۳۸۵). بایسته های حقوق اساسی، چ بیست و ششم، تابستان ۱۳۸۵
- قربانی، فرج الله (۱۳۸۰). مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، دانشور.
- قرنی، محمد؛ صدری، فرهاد؛ رضایی، عباس؛ قاسمی، امیر (۱۳۸۸). مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری، زمان نو.
- کوئنیاک ایوکوویچ، سانیا (۱۳۹۲). سقوط مجریان قانون کنترل فساد پلیس، مترجم: ابوالفضل محمدی، مرکز تحقیقات بازرسی کل.
- مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی - معاونت پژوهش، لوح حق، ۱۳۸۸
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۰). مجموعه قوانین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، نشر دیدار، چ یازدهم.
- مهاجری، علی (۱۳۷۹). جرائم خاص کارکنان دولت، سازمان انتشارات کیهان.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۲). پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش ش دوم معاونت اجتماعی.

- میگز، والتر بی و همکاران (۱۳۸۵). ترجمه عباس ارباب سلیمانی، کتاب اصول حسابرسی، ج اول و دوم، سازمان حسابرسی.
- نادریان، هوشنگ (۱۳۸۹). نشریه حسابرسی، ش ۴۹، تابستان ۱۳۸۹
- نظری، رضا؛ صیادی، محمد (۱۹۳۱). میز تشریح مثلث تقلب، حسابدار رسمی ش ۴۱، ۱۳۹۱
- نورزاد، عوض (۱۳۸۳). بررسی جرائم اختلاس و تصرف غیر قانونی در اموال دولت، نشر آریان.
- نیکخواه آزاد، علی (۱۳۸۹). بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی، سازمان حسابرسی.
- وکیلی فرد، حمیدرضا؛ جبارزاده، کنگرلویی، سعید؛ سلطان احمدی، اکبر؛ پور رضا (۱۳۸۸). بررسی ویژگیهای تقلب در صورتهای مالی، فصلنامه حسابدار، س ۲۴، ش ۲۱۰، زمستان ۱۳۸۸.
- همدی خطبه سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳). فساد مالی - علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

